

بررسی اثباتی زاویه خیال در تشبیهات حروفی شعر سبک خراسانی

مرتضی حیدری*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

بسامدها متغیرهایی تعیین‌کننده در دانش سبک‌شناسی هستند و به‌کارگیری روش‌های تحلیل آماری در ارزیابی بسامدها نتایج سبک‌شناختی سنجیده‌تری را به‌همراه خواهد داشت. آمار توصیفی نمی‌تواند کمیت‌های پرنوسان و دارای رفتار نامنظم را به‌روشنی تبیین کند. از همین روی روش‌های آمار استنباطی در نتیجه‌گیری از متغیرهای کمی نامتوالی بسیار سودمند خواهد بود. سبک‌شناسی مرتبط با تحلیل‌های رایانه‌ای را سبک‌سنجی می‌نامند که در حوزه زبان فارسی چندان رایج نبوده است. در این مقاله، نویسنده بسته‌تر شدن زاویه خیال در چهار گونه ساختمان تشبیه را به‌ترتیب از ۱ تا ۴ درجه‌بندی کرده و سپس رابطه میان فشرده‌تر شدن زاویه خیال با بسامد تشبیهات حروفی را در دیوان دوازده تن از شاعران شاخص سبک خراسانی در گذر زمان ارزیابی کرده است. از آنجا که بسامد گونه‌های تشبیهات حروفی از لحاظ ساختمان و فشرده شدن زاویه خیال در ساختمان این‌دست تشبیهات رفتار سبکی مشخصی را نشان نمی‌دهد، با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون در نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS به تحلیل استنباطی آمارها پرداخته شده است. با توجه به نتایج کمی برآمده از این نرم‌افزار که گویای ضریب هم‌بستگی ۰/۳۷۴ و سطح معناداری ۰/۶۲۶ است و مقایسه این اعداد با شاخص‌های

* نویسنده مسئول: mortezaheydari.58@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۶

تعریف شده برای ضریب هم‌بستگی (+۱ و -۱) و سطح قراردادی معناداری، رابطه مثبت و مستقیم میان متغیرها (نازک‌تر شدن خیال و فشردگی زاویه تشبیه با بسامد تشبیهات حروفی) تأیید می‌شود. به زبان سبک‌شناسی، یعنی فشرده‌تر شدن زاویه تشبیه در سبک خراسانی به معنای افزایش بسامد تشبیهات حروفی دارای ساختمان بسته‌تر بوده و این رخداد سبکی از هنجارهای مسلط بر سبک دوره پیروی کرده است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، سبک‌سنجی، زاویه خیال، تشبیهات حروفی، سبک خراسانی.

۱. مقدمه

به‌آسانی نمی‌توان سبک و دانش سبک‌شناسی را توصیف کرد؛ به‌ویژه با گسترش دانش زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان و نقد ادبی، رویکردهای گوناگونی درباره مفهوم، مشخصه‌ها و کاربرد سبک‌شناسی به‌وجود آمده است. رمی د گورمنت^۱ می‌گوید: «تعریف کردن سبک به همان اندازه دشوار است که ریختن یک کیسه آرد در یک انگشتانه» (به نقل از Cudden, 1999: 872).^۲ «رویکردهای گوناگون به سبک‌شناسی متأثر از دانش زبان‌شناسی و نقد ادبی است. [...] سبک‌شناسی دانشی است که به توصیف ویژگی‌های شکلی یک اثر و آن‌گاه رابطه این ویژگی‌ها با تفسیر اثر می‌پردازد» (Davis & Elder, 2004: 331).^۳

«تحلیل و ارزیابی سبک یک اثر شامل سنجیدن گزینش‌های واژگانی نویسنده، آرایه‌ها و شگردهای بلاغی او، شکل جملات و پاراگراف‌های او و هر شیوه‌ای است که او زبان را به‌کار می‌گیرد» (Cudden, 1999: 872). مشخصه‌های سبکی اثر ادبی همان مشخصه‌هایی هستند که آفریدگار آن را متمایز می‌کنند. اثر هنری جهانی نوپیداست و هرآنچه که دست‌فروشد هنرمندان دیگر شده باشد، ویژگی سبکی متمایز آن به‌شمار نمی‌رود. اصطلاح سبک دوره‌ای در مطالعات ادبی بیشتر برای نگارش تاریخ ادبی یک دوره مناسب است. «مولانا می‌گوید: از قرآن بوی خدا می‌آید و از حدیث بوی مصطفی می‌آید و از کلام ما بوی ما می‌آید» (افلاکی، ۱۳۶۲: ۴۵۸). «سبک،

آن‌گونه که بوفون^۴ آن را تعبیر می‌کند، خود فرد [نویسنده] است» (Cudden, 1999: 872). «بدون تردید ریشه هر مشخصه سبکی یک نویسنده، باید در خود او باشد» (Smith, 1925: x)^۵.

گرچه بسیاری از نظریه‌پردازان و منتقدان ادبی بر ویژگی‌های خاص یک اثر ادبی در پژوهش‌های سبک‌شناختی خود تأکید می‌کنند، «بررسی سبک‌شناختی وقتی کاملاً مفید فایده است که به صورت زمینه بزرگ^۶ باشد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۲). یافتن عناصر متداوم و متکرر در آثار ادبی شاعران دوره‌های مختلف پژوهشگر را در رسیدن به هنجارهای سبکی دوره‌های ادبی یاری می‌کند؛ در نتیجه ارزیابی هنجارگریزی‌ها^۷ و نوآوری‌های هر شاعر (سبک فردی) نیز بی‌نیاز از ویژگی‌های سبکی یک دوره ادبی نیست. «سبک ادبی شیوه به‌کار بردن قراردادهای هنری، پرده برداشتن از زمینه اثر، به‌تصویر کشیدن شخصیت، پی‌رنگ یک‌دست و پرورده‌شده و همچنین شیوه‌ای است که نویسنده این سه‌گانه‌ها را به‌کار می‌گیرد» (Lamarque, 2009: 104). «بررسی نوین سبک یعنی سبک‌شناسی از بلاغت کلاسیک سرچشمه می‌گیرد. [...] بیشتر می‌توان آن را در حوزه بلاغت جای داد» (Bolinger, 1975: 600). «بخشی از مشخصات سبکی شعرا و نویسندگان از استعمال صنایع لفظی یا معنوی پدیدار می‌شود» (بهار، ۱۳۸۹: ۱/ ز). اروین پانوفسکی^۸ اعتقاد دارد سبک یک اثر ادبی یا هنری را می‌توان به‌ازای ارزش ادبی و هنری آن تعیین کرد (به نقل از عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۸). «ابزارهای بلاغی شماری از سازه‌های سبکی هستند که زبان را بیشتر در معنایی غیرلفظی به‌کار می‌برند» (Klarer, 2004: 148 نیز ر.ک: Bussmann, 2006: 356). «بدون تردید تحلیل سبک‌های ادبی و به‌ویژه سبک‌های شعر بر تحلیل‌های بلاغی متکی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).^۹ شاعر نگرش ویژه‌ای به پدیدارهای پیرامون خود دارد؛ این نگرش ویژه با برقرار کردن رابطه‌ای نو میان واژگان فرسوده یا واژگان برساخته شاعر تصویر می‌شود. زبان شاعر بازتابی از کاوش‌های جوشان روان اوست. از میان ابزارهای بلاغی شاعران،

بی‌گمان تشبیه و آرایه‌هایی که برآمده از روش تشبیه هستند، کاربردی‌ترین شگرد تصویرسازی آنان است. «ارسطو تشبیه را یکی از عناصر سبک‌ساز می‌دانست که با استعاره اندک تفاوتی دارد» (Habib, 2005: 76). «شاید ارسطو قدیم‌ترین کسی است که به جنبه‌های تأثیری زبان اندیشیده است» (Malmkjær, 2002: 449). «سبک‌شناسی ادبی بدون واکاوی عناصر بلاغی و زبان مجازی از متن تهی‌دست بیرون می‌آید» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸).

«اگر شعر فارسی را از آغاز مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که در آثار قرون سوم و چهارم و پنجم وجوه شباهت بسیاری است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۱). «توصیف در سبک خراسانی قوی است. [...] رایج‌ترین وسیله توصیف تشبیه است. [...] شیوه آنان در این زمینه تشبیه مرکب و تشبیه تفصیلی است» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۶۹).

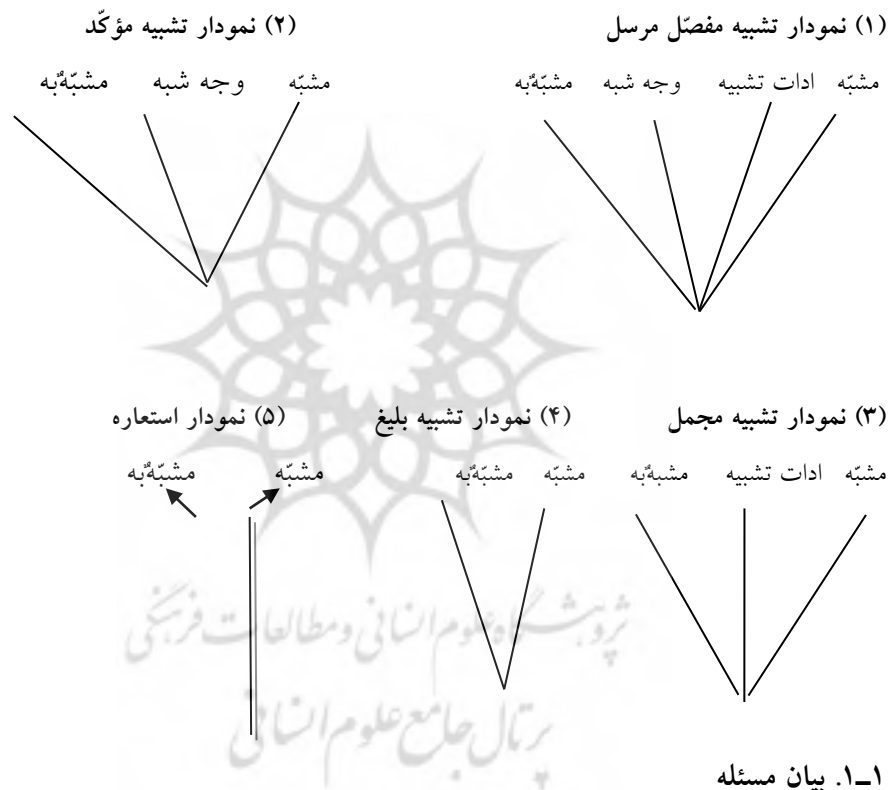
از نظر ادبی، شعر این دوره [سامانی] به لحاظ تشبیه، مخصوصاً تشبیه تفصیلی بسیار قوی است. [...] تشبیهات اصیل این دوره، حاصل نگاه و دقت خود شاعران به طبیعت و اشیاست؛ حال آنکه شاعران دوره‌های بعد گاهی طبیعت و اشیا را از چشم شاعران این دوره می‌بینند (همان، ۳۸).

«در دوره سامانی تشبیهات تفصیلی فراوان دیده می‌شد؛ اما در این دوره [غزنوی] تشبیهات رو به کوتاهی و ایجاز دارند. تشبیهات عهد سامانی مورد تقلید قرار می‌گیرد» (همان، ۵۴). «در شاعران اواخر این دوره (مسعود سعد سلمان و بوالفرج) اضافات تشبیهی [تشبیه بلیغ] و استعاری فراوان است» (همان، ۷۰).

درست است که شاعران و نویسندگان همه از تشبیه بهره می‌برند و ساختمان تشبیه همیشه و در تمام انواع تشبیه بر همان چهار رکن اصلی استوار است، اما نگرش و ذهنیات فردی در گزینش طرفین تشبیه، وجه شبه و نحوه ترکیب چهار رکن تأثیر می‌گذارد و سبب گونه‌گونی سبک‌های تشبیهی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۰۷).

روحیه و نگرش فرد در تمام عناصر زبانی و ساختارهای بلاغی نمودار می‌شود. رابطه‌ای که نویسنده در تشبیه میان دو طرف تصویر برقرار می‌کند، تابع نوع نگرش هستی‌شناسانه اوست (همان، ۲۲۱). شاعران تصویرپرداز شگردهای بلاغی را یکسان به‌کار نمی‌گیرند؛ برای نمونه دو شاعر استعاره‌گرا سبک یکسانی ندارند (همان، ۳۰۴). با توجه به مشخصه‌های سبک خراسانی درمی‌یابیم که ساختمان تشبیهات در سروده‌های شاعران این سبک در گذار زمان فشرده‌تر می‌شود و سرانجام به تشبیه بلیغ و استعاره می‌رسد. از آنجا که «سبک اساساً مستلزم گزینش است» (وردانک، ۱۳۸۹: ۲۱) و گزینش‌های سبکی معنادار هستند، بسته‌تر شدن ساختمان تشبیه در پایان سبک خراسانی به‌معنای فشرده‌تر شدن تخیل شاعران است. در آشکال زیر، میزان گشودگی زاویه تشبیه در سبک خراسانی در گذار زمان نشان داده شده است؛ هرچه از شاعران نخستین سبک خراسانی دورتر می‌شویم، فشردگی ساختمان تشبیه بیشتر می‌شود و به استعاره می‌رسد. در زبان انگلیسی، تشبیهی را که ادات شبه (مانند و همچون) از ساختمان آن حذف شده باشد، استعاره می‌گویند (Quinn, 2006: 389; Klarer, 2004: 33). «تشبیه و استعاره در سبک‌شناسی آرایه‌های بلاغی، بیشترین بسامد را دارند» (Klarer, 2004: 32). «نورتروپ فرای^{۱۱} بنیان استعاره را بر این‌همانی^{۱۱} و بنیان تشبیه را بر همانندی^{۱۲} می‌داند» (Hart, 2005: 172). در نمودار ۵، دو سوی اصلی تشبیه (مشبه و مشبه‌به) چنان به یکدیگر نزدیک شده که به این‌همانی رسیده است. میانجیگری ارکان نشانگر ساختمان تشبیه (ادات تشبیه و وجه‌شبه) گشودگی زاویه تشبیه و ساده‌شدگی خیال را در پی دارد. کاسته شدن ارکان میانجی ساختمان تشبیه نیز زاویه خیال را بسته‌تر و باریک‌تر می‌کند؛ چنان‌که در نمودار ۱ تا ۵ میزان فشردگی زاویه ساختمان‌های چهارگانه تشبیه تا رسیدن دوسوی اصلی تشبیه (مشبه و مشبه‌به) به این‌همانی و استعاره بازنموده شده است. «در تشبیه مقایسه بین دو چیز آشکار است و از همین رو آزادی تفسیری کمتری به خواننده می‌دهد. اما در استعاره آزادی تفسیری

بیشتری برای خواننده وجود دارد؛ زیرا استعاره از بافتی که در آن روی می‌دهد، متأثر می‌شود» (Black, 2006: 109). تشبیهات حروفی تشبیهاتی هستند که کیفیت نگارشی، ترکیبی و تصویری حروف الفبا در ساختمان آن‌ها به‌کار گرفته می‌شود. این تشبیهات که مقدار معتناهی از سروده‌های شاعران را دربرگرفته‌اند، از زیباترین و بدیع‌ترین اشعار زبان فارسی نیز به‌شمار می‌روند.



داشتن شیوه‌های دقیق و علمی در تحلیل‌های کمی سبک‌شناختی از مهم‌ترین نکاتی است که باید پژوهشگران ایرانی به آن توجه کنند. در این پژوهش، بسامد تشبیهات حروفی دیوان‌های دوازده شاعر نام‌دار سبک خراسانی از اواخر قرن سوم تا اوایل قرن ششم هجری به‌شیوه نمونه‌گیری کل^{۱۳}، برپایه مفصل، مؤکد، مجمل و بلیغ بودن در

جدول ۱ مشخص شده است. از آنجا که «یکی از شاخصه‌های مهم سبک، مسئله تکرار و تداوم [...] است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۸)، نگارنده کوشیده از جدول آماری خود برای تحلیل سبک‌شناختی تشبیهات حروفی استفاده کند. «در سبک‌شناسی آماری [...] تنها تکرارهایی ارزش سبک‌شناختی دارند که در تحلیل سبک، معنادار و نقشمند باشند» (همان، ۱۶۹).

ظاهراً اولین روشی که میزان تکرار یک مشخصه سبکی را تأیید می‌کند، همین روش [روش آماری] است؛ گاه این کار یک شناخت واقعی از سبک را به‌ارمغان می‌آورد و گاهی هم با اجرای این‌گونه بررسی‌ها بی‌اساس بودن نظریه‌های موجود درباره سبک یک دوره یا یک نویسنده خاص برملا می‌شود (همان، ۱۶۸).

بهره‌گیری از روش‌های آماری و رایانه‌ای در پژوهش‌های سبک‌شناسی را «سبک‌سنجی^۴» می‌گویند. «برخی از سبک‌شناسان روش‌های محسوس و مشخصی را با بهره‌گیری از منابع تکنولوژیک و رو به رشد رایانه‌ای در پژوهش‌های خود به‌کار می‌گیرند. [...] سبک‌سنجی مقادیر کمی ویژگی‌های سبکی را مطالعه می‌کند» (Crystal, 2008: 460; Abrams & Harpham, 2009: 354).

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

پژوهش حاضر در پی اثبات یک رخداد سبکی به‌روشی غیرتوصیفی است و چگونگی کاربرد رایانه را در مطالعات سبک‌شناسی در کانون توجه قرار می‌دهد. این روش اثباتی شگردی سنجش‌پذیر را برای تبیین چگونگی رابطه میان متغیر کیفی (زاویه خیال) و متغیر کمی (توزیع فراوانی تشبیهات حروفی در دیوان شاعران سبک خراسانی) می‌شناساند و برای سبک‌پژوهان ایرانی و مطالعات سبک‌شناختی در زبان فارسی می‌تواند سودمند باشد. از همین روی نویسنده داده‌های آماری را به‌روشی علمی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS در سبک‌شناسی به‌کار گرفته است که پژوهشی علمی در حوزه مطالعات سبکی به‌شمار می‌رود. در این پژوهش، دوازده شاعر جریان‌ساز سبک

خراسانی به شیوه نمونه‌گیری شاخص^{۱۵} برگزیده شده و جامعه آماری^{۱۶} تحقیق را تشکیل داده‌اند.

بهره‌گیری از چارچوب نظری استوار و تبیین‌شده برای دستیابی به روشی علمی و کاربردی در مطالعه سبک‌شناختی تشبیهات حروفی سبک‌های مختلف، اصلی‌ترین هدف این پژوهش است. نویسنده رابطه میان خیال‌پردازی‌های شاعران سبک خراسانی و نوسان شمارگان تشبیهات حروفی در دیوان شاعران این سبک را بررسی کرده است.^{۱۷}

۳-۱. پیشینه تحقیق

جدی‌ترین پژوهشی که در زمینه نگرش‌های الفبایی شاعرانه انجام شده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتضی حیدری با عنوان *تشبیهات حروفی (نگرش حروفی) در دیوان شاعران تا قرن هشتم هجری (۱۳۸۷)* است. نویسنده این پایان‌نامه در فصل اول، «اندیشه‌های حروفی در طول تاریخ» را بررسی کرده و فصل دوم را به «گزارش ابیات دربردارنده نگرش‌های حروفی در دیوان شاعران» اختصاص داده است. رویکرد حیدری در گزارش ابیات حروفی، نقد بلاغی سروده‌های شاعران بوده؛ اما از آنجا که پرسش و فرضیه مشخصی را دنبال نکرده، نتیجه‌گیری آن کلی بوده است. علیرضا حاجیان‌نژاد مقاله خود با عنوان «نوعی تشبیه در ادب پارسی (تشبیه حروفی)» (۱۳۸۰) را با رویکردی توصیفی و با جامعه آماری بسیار محدود و فاقد نظریه انتقادی سامان داده است. حیدری (۱۳۸۷: ۵) نمونه‌ای از لغزش وی را گوشزد کرده است. پژوهش محسن ذوالفقاری و علی‌اکبر کمالی‌نهاد با عنوان «کارکردهای هنری و تصویری حروف در شعر (با تأکید بر شعر خاقانی)» (۱۳۹۲) با رویکردی توصیفی و بی‌بهره از چارچوب نظری به‌انجام رسیده و نتیجه‌گیری آن نکته تازه‌ای را به‌دست نمی‌دهد. مهم‌ترین پژوهشی که به کاربرد علمی دانش آمار در مطالعات سبک‌شناسی پرداخته و لغزش‌های بسیاری از پژوهشگران داخلی را در به‌کارگیری نادرست داده‌های آماری

یادآوری کرده، مقاله «نقدی بر کاربرد آمار در پژوهش‌های ادبی با معرفی نرم‌افزار SPSS» از علیرضا رعیت‌حسن‌آبادی و محمدجواد مهدوی (۱۳۹۲) است که پژوهشی نظری است و نه کاربردی.^{۱۸}

۲. بحث و بررسی

۲-۱. توزیع فراوانی گونه‌های تشبیهات حرفی از لحاظ ساختمان در دیوان

شاعران

اکنون پراکنش فراوانی هرکدام از چهار گونه ساختمان تشبیهات حرفی در دیوان دوازده‌تن از شاعران شاخص سبک خراسانی به ترتیب زمانی بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. رودکی (۳۲۹-؟ق)

– زلف تو را جیم که کرد؟ آن که او خال تو را نقطه آن جیم کرد
و آن دهن تنگ تو گویی کسی دانگگی نار به دو نیم کرد
(رودکی، ۱۹۵۸: ۴۶۲)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۱	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۰	تشبیه مجمل
۰	تشبیه بلیغ

۲-۱-۲. معروفی (نیمه اول قرن چهارم)

– گشت برگشت سیه جعد چو عین اندر عین تاب بر تاب سیه زلف چو جیم اندر جیم
(به نقل از لازار، ۱۳۴۱: ۱۳۴)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۲	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۰	تشبیه مجمل
۰	تشبیه بلیغ

۳-۱-۲. ابوشعیب صالح بن محمد هروی (قرن چهارم)

- لب چنان کز خامه نقاش چین برچکد بر سیم از شنگرف مد
(به نقل از دبیرسیاقی، ۱۳۷۴: ۱۷۳)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۰	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۱	تشبیه مجمل
۰	تشبیه بلیغ

۴-۱-۲. ابوالقاسم زیادبن محمد القمري جرجانی (قرن چهارم)

- الف به قامت و میمش دهان و نونش زلف
بنفشه جعد و به رخ لاله و زرخ نسرین
(به نقل از همان، ۱۹۵)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۰	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۰	تشبیه مجمل
۳	تشبیه بلیغ

۲-۱-۵. ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰ق)

- خلقان تو ای جلال گوناگون‌اند
 گاهی چو الف راست گهی چون نون‌اند
 در حضرت اجلال چنان مجنون‌اند
 کز خاطر و فهم آدمی بیرون‌اند
 (ابوسعید ابوالخیر، بی تا: ۳۶)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۱	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۱	تشبیه مجمل
۰	تشبیه بلیغ

۲-۱-۶. باباطاهر عریان (وفات بعد از ۴۵۷ق)

- من آن بحرم که در ظرف آمده‌ستم
 چو نقطه بر سر حرف آمده‌ستم
 به هر آلفی آلف قدی برآیو
 آلف قدّم که در آلف آمده‌ستم
 (باباطاهر همدانی، ۱۳۵۰: ۲۳۱)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۱	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۰	تشبیه مجمل
۲	تشبیه بلیغ

۲-۱-۷. فرخی سیستانی (؟-۴۲۹ق)

- میران بر او همچو الف راست درآیند
 گردند ز بس خدمت او کوژتر از دال
 (فرخی سیستانی، ۱۳۶۳: ۲۱۸)
 - از همه ابجد بر «میم» و «الف» شیفته‌ام
 که به بالا و دهان تو «الف» ماند و «میم»
 (همان، ۲۴۶)

- جعد تو جیم نه و صورت او صورت جیم زلف تو دال نه و صورت او صورت دال (همان، ۲۱۳)
- هم ز جیم سر زلف تو خروش عشاق هم ز دال سر زلف تو فغان ابدال (همان جا)
- ز بهر آنکه به جعد و به زلف او مانم به حيله تن را گه جیم کردمی گه دال (همان، ۲۱۵)
- تا چو جعد صنمان دایره گون باشد جیم تا چو پشت شمنان پشت بخم باشد دال (همان، ۲۲۰)
- نیک ماند خم زلفین سیاه تو به دال نیک ماند شکن جعد پریش تو به جیم (همان، ۲۴۶)
- به حلقه کرده همی جعد او حکایت جیم به پیچ کرده همی زلف او حکایت لام (همان، ۲۴۰)
- زلف تو سیم تو از دزد نگه داند داشت به خم و پیچ برافکنده چو جیم از بر جیم (همان، ۲۴۳)
- صنمی با زنخی تازه تر از برگ سمن صنمی با دهنی تنگ تر از چشمه میم (همان، ۲۴۵)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۱۰	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۷	تشبیه مجمل
۲	تشبیه بلیغ

۸-۱-۲ قطران تبریزی (؟- بعد از ۴۶۵ق)

- آن پرندآور که گه چون نون بود گه چون الف چون الف بالای شاهان جهان را نون کند (قطران تبریزی، ۱۳۳۳: ۸۳)
- گهی به صورت نون و گهی به شکل الف گهی چو پر غراب و گهی چون چنگل باز (همان، ۱۸۵)

- چو دال مرا پار شده بود ز غم پشت و امسال ز زلفش گه الف سازم و گه دال (همان، ۲۰۱)
- دامست تو را زلف و چو دامست حقیقت زیرا گه الف باشد و گه میم و گهی دال (همان، ۲۰۵)
- قدهای چون الف را کرده چون دال از غمت چون کنی بهر بلا و شورش اسلام لام (همان، ۴۴۳)
- کار تو همچون الف باشد همیشه راست زانک در دعای توست دایم قامت ابدال دال (همان، ۴۴۴)
- زلفانت به کردار دال کرده ابدال ز عشق تو پشتدالی (همان، ۳۶۷)
- گر به شب یاد آورد چپال هند از کین تو بازشناسد به روز از قامت چندال دال (همان، ۴۳۹)
- «بر در سلاطین هند قومی باشند که آنها را خدمتیه گویند و دراصل چندال بوده‌اند» (دهخدا، ۱۳۸۷: ذیل «چندال»). پادشاه هند چنان از ممدوح می‌شکوهد که نیروی شناخت خود را در روز روشن از دست می‌دهد و حرف دال را از قامت خدمتکار خود بازمی‌شناسد.
- هست زان رو زلف مشکین تو دل‌ها را چمن زان که گه چون جیم و گه چون میم و گه چون نون بود (همان، ۹۸)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۱	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۱۰	تشبیه مجمل
۱۰	تشبیه بلیغ

۹-۱-۲. ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ق)

- چون الفی بود مردمی به مثل
چونک الفی مردمی کنون نون شد؟
(ناصر خسرو، ۱۳۳۵: ۱۰۱)
- ای خواجه، از این باز و ازین مار حذر کن
زیرا الف پشت تو زین هاست شده دال
(همان، ۲۴۵)
- زین قده چو تیر و الف چه لافی؟
کین زود شود چون کمان و چون لام
(همان، ۲۶۴)
- نشود رسته هر آن کس که ربوده‌ست دلش
زلف چون نون و قد چون الف و جعد چو جیم
(همان، ۳۰۰)
- امسال بیفزود تو را دامن پیشین
زیرا که الف بودی و امسال چو دالی
(همان، ۴۱۰)
- شاعر مخاطب خود را که روزبه‌روز و سال‌به‌سال خویشتن را بیشتر در برابر
درباریان و حکام فاسق خوار می‌کند تا نواله‌ای به‌دست آورد، چون الفی می‌داند که
راست‌قامت بوده، اما حرص مال و منال اکنون او را چون حرف دال در برابر اصحاب
دنیا خمانده است.
- آزاد شوی چون الف اگر چند
امروز به زیر طمع چو دالی
(همان، ۴۳۷)
- از خر به دین شده‌ست جدا مردم
شین را سه نقطه کرد جدا از سین
(همان، ۳۲۳)
- قدّ آلفیت لام شد بنگر
منگر چندین به زلفک لامی
(همان، ۴۰۸)
- زانک ز این‌ها خود تهی ماند بهشت
ور به تنگی نیست نیم از چشم میم
(همان، ۲۸۴)

- دل چون بحر تو در معصیت و نرم چو موم
سنگ خارااست گه معذرت و تنگ چو میم
(همان، ۳۰۰)
- گر بگمانی تو ز بدهای او قامت چون نون منت بس گواش
(همان، ۲۲۵)
- گر نخواهی ای پسر تا خویشتن مجنون کنی
پشت پیش این و آن پس چون همی چون نون کنی؟
(همان، ۴۰۴)
- خم ز نون پشت تو هم در زمان بیرون شود
گر تو خم آرزو را از شکم بیرون کنی
(همان جا)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۲	تشبیه مفصل
۳	تشبیه مؤکد
۱۰	تشبیه مجمل
۷	تشبیه بلیغ

۲-۱-۱۰. ابوالفرج رونی (؟- بعد از ۴۹۲ق)

- گر فلک جز برای او گردد الف استوای او نون باد
(ابوالفرج رونی، ۱۳۴۷: ۵۵)
- سپه کند به گشاد خدنگ، دیده روز چنانکه نوک قلم در شتاب، حلقه میم
(همان، ۱۰۷)
- زود بینی ز عرض موکب او عرصه‌ها تنگ‌تر ز حلقه میم
(همان، ۱۱۰)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۱	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۱	تشبیه مجمل
۲	تشبیه بلیغ

۱۱-۱-۲. مسعود سعد سلمان (۴۳۸ / ۴۴۰-۵۱۵ق)

- ز آن قامت هم چون الف و زلف چو دالت

باریک شدم چون الف و چفته چو دالی

(مسعود سعد، ۱۳۳۹: ۵۱۳)

- چون باد دی دم من سرد و دم نیارم زد

که دل به تنگی میم است و تن به کوژی دال

(همان، ۴۱۲)

- همیشه تا سر زلفین نیکوان بتان چو خی و جیم شود هر دو بر صفحه سیم

(همان، ۳۲۳)

- زبید که منی کنم ازیراک از دل میم، وز پشت نونم

(همان، ۳۲۲)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۴	تشبیه مفصل
۰	تشبیه مؤکد
۳	تشبیه مجمل
۲	تشبیه بلیغ

۱۲-۱-۲. امیر معزی نیشابوری (?- بین ۵۱۸ تا ۵۲۱ق)

- از دل و جان هر که با تو دل ندارد چون الف

از بن دندان به خدمت پشت چون لام آورد

(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۱۵۹)

- کسی که با تو دلش چون الف نباشد راست ز هیبت تو شود قامتش خمیده چو دال

(همان، ۴۳۸)

- همیشه تا که بود همچو میم و دال و الف دهان و زلف و قد نیکوان مشکین خال

(همان، ۴۴۴)

- آن روز که راند سخن از میم ملاقات بس قد الفوار که از بیم کند دال
(همان، ۴۴۵)

- از جمل تا که نخستینش حروف است الف
بر فلک را که نخستینش بروج است حمل
بادی از محتشمان چون حمل از جمع بروج
بادی از ناموران چون الف از حرف جمل
(همان، ۴۵۴)

بیت اول تأبیدیة قصیده است. شاعر می گوید تا زمانی که نخستین حرف از حروف
جمل (ابجد) حرف الف است و تا زمانی که نخستین برج از بروج فلکی برج حمل
است (یعنی تا ابد)، در میان محتشمان پیش رو باشی.

- هست زلف و دهن و قد تو ای سیم اندام
جیم و میم و الف و قامت من هست چو لام
(همان، ۴۶۳)

- ای بسا قامت باه شکل الف که شود پیش تو به صورت نون
(همان، ۵۵۵)

- کردند سجده میران در پیش بارگاهش تا قد چون الفشان چفتیده گشت چون نون
(همان، ۵۵۷)

- تا با تو جهان راست تر از قد الف شد قد همه اعدای تو شد چفته تر از نون
(همان، ۵۸۶)

- کسی که با تو به عهد اندرون نه چون الفست
ز بیم تو دل و دستش چو میم باد و چو نون
(همان، ۴۴۴)

- مد اگر میم است و دال آنک دهان و زلف او
آن یکی مانند میم و آن دگر مانند دال
(همان، ۴۵۶)

- ز نون و میم دو چشم جدا نبود که بود دلم به تنگی میم و تنم به کوژی نون

(همان، ۶۲۵)

- زانکه آخر حرف نون است از خطاب و نام او

ماه نو بر چرخ هر ماهی چو زرین نون شود

(همان، ۱۵۶)

شاعر با حسن تعلیل زیبایی دلیل هلال شدن هر ماهه ماه را که چون نون زرین می‌شود، این‌گونه بیان می‌کند که حرف آخر نام ممدوح او نیز حرف نون است؛ گویا مایه نازش ماه است که خود را به هیئت آخرین حرف نام ممدوح درآورد.

- گویی که دو زلف تو چو نونی ست ز عنبر

خال تو چو از غالیه نقطه زده بر نون

(همان، ۵۴۸)

شمارگان	ساختمان تشبیه
۶	تشبیه مفصل
۱	تشبیه مؤکد
۱۹	تشبیه مجمل
۴	تشبیه بلیغ

۲-۲. تحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی دیوان دوازده شاعر سبک خراسانی نخست در جدولی جمع‌بندی می‌شود، آن‌گاه با استفاده از روش‌های آماری متغیرهای تعریف‌شده در این پژوهش و هم‌بستگی و معناداری مفروض میان آن‌ها تحقیق می‌شود.

جدول ۱. توزیع فراوانی گونه‌های تشبیهات حرفی از لحاظ ساختمان در دیوان شاعران

سبک خراسانی

شاعران	تشبیه مفصل	تشبیه مؤکد	تشبیه مجمل	تشبیه بلیغ
۱. رودکی	۱	۰	۰	۰
۲. معروفی	۲	۰	۰	۰
۳. ابوشعب هروی	۰	۰	۱	۰
۴. قمری جرجانی	۰	۰	۰	۳
۵. ابوسعید ابوالخیر	۱	۰	۱	۰
۶. باباطاهر عریان	۱	۰	۰	۲
۷. فرخی سیستانی	۱۰	۰	۷	۲
۸. قطران تبریزی	۱	۰	۱۰	۱۰
۹. ناصر خسرو	۲	۳	۱۰	۷
۱۰. ابوالفرج رونی	۱	۰	۱	۲
۱۱. مسعود سعد سلمان	۴	۰	۳	۲
۱۲. امیر معزی	۶	۱	۱۹	۴
بسامد گونه‌ها	۲۹	۴	۵۲	۳۲

اگر بخواهیم برپایه آمارهای توصیفی به دست آمده از بسامد ساختمان تشبیهات حرفی در دیوان شاعران سبک خراسانی به پردازش داده‌ها پردازیم - چنان که متعارف پژوهش‌های آماری در مطالعات سبک‌شناختی است - ناگزیریم رابطه‌ای تخمینی و صدالبته متسامحانه را میان بسامد گونه‌ها (۲۹، ۴، ۵۲ و ۳۲) تجویز کنیم. ^{۱۹} آشکار است که رابطه‌ای منطقی میان بسامد این گونه‌ها دیده نمی‌شود و ارزیابی آماری توصیفی نوعی «از سر و کردن» است. روش علمی ارزیابی جدول توزیع فراوانی ساختمان

تشبیهات حروفی، بهره‌گیری از روش‌های آمار استنباطی است. اکنون با توجه به متغیرهای مستقل و وابسته، چگونگی ارزیابی رابطه میان این دو گزارش می‌شود. یکی از کاربردی‌ترین روش‌های ارزیابی هم‌بستگی میان دو متغیر، استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS است. پیرسون بیانگر تطابق الگوی تغییرات یک متغیر با الگوی تغییرات متغیر دیگر است (بیکر، ۱۳۹۰: ۴۸۹). برای این کار، نخست با توجه به دگردیسی ساختمان تشبیه در سبک خراسانی که به آن اشاره شد، فشردگی زاویه تشبیه برای هرکدام از واحدهای چهارگانه ساختمان تشبیه از عدد ۱ تا ۴ تعریف می‌شود و متغیر مستقل پژوهش قرار می‌گیرد. این متغیر مستقل، متغیری چندارزشی است (دلاور، ۱۳۹۰: ۶۱)؛ یعنی درجه‌های مختلفی برای آن تعریف شده است.

جدول ۲. درجه فشردگی زاویه تشبیه در چهار گونه ساختمان تشبیه (متغیر مستقل)

درجه فشردگی زاویه تشبیه	نوع تشبیه
۱	مفصل
۲	مؤکد
۳	مجمل
۴	بلیغ

اکنون توزیع فراوانی تشبیهات حروفی از لحاظ ساختمان، متغیر وابسته پژوهش قرار می‌گیرد؛ یعنی وجود یا عدم رابطه سبکی میان فشردگی زاویه تشبیه و خیال‌انگیزتر شدن آن با بسامد ساختمان تشبیهات حروفی دیوان شاعران سبک خراسانی در گذار زمان (از پایان قرن سوم تا ابتدای قرن ششم) که پرسش پژوهش است، مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای این کار، در نرم‌افزار SPSS در بخش متغیرها، متغیر مستقل با ارزش‌های (values) عددی ۱ تا ۴ برای عنوان‌های (labels) مفصل،

مؤکد، مجمل و بلیغ تعریف می‌شود، سپس نام شاعران دوازده‌گانه در بخش متغیرها وارد می‌شود و متغیرهای وابسته قرار می‌گیرد. حال در بخش مرور داده‌ها (data review)، اعداد ۱ تا ۴ زیر فشردگی زاویه تشبیه و تعداد هر نوع تشبیه در دیوان هر شاعر زیر نام آن شاعر نوشته می‌شود. نام شاعران به ترتیب زمانی درج می‌شود. در واقع اعداد ۱ تا ۴ همان واحدهای چهارگانه ساختمان تشبیه با تعیین فشردگی زاویه خیال هستند. از آن روی که رخداد سبکی آزمون شده در این پژوهش رخدادی دومتغیری است، شاعران دوازده‌گانه باید به یک متغیر وابسته تبدیل شوند. برای این کار در نوار بالای نرم‌افزار از گزینه تبدیل کردن (transform) و محاسبه متغیر (compute variable) استفاده می‌شود. با جمع کردن نام همه شاعران و تعریف متغیر واحد «شاعران»، دو متغیر مستقل و وابسته به دست می‌آید. سپس با مراجعه به نوار بالای نرم‌افزار و گزینش تحلیل (analyze)، وارد گزینه هم‌بستگی (correlate) و توزیع دومتغیری (bivariate) شده و در جدول باز شده، فشردگی (متغیر مستقل) و شاعران (متغیر وابسته) اضافه می‌شود. سرانجام با گزینش عنوان پیرسون (pearson) ضریب هم‌بستگی میان متغیرها به شرح زیر ارائه می‌شود:

جدول ۳. ضریب هم‌بستگی و سطح معناداری فشردگی زاویه تشبیه و توزیع فراوانی انواع تشبیهات حرفی از لحاظ ساختمان در سبک خراسانی

نام متغیر	ضریب هم‌بستگی (r)	سطح معناداری (sig)
فشردگی زاویه تشبیه	.۳۷۴	.۰۶۲۶

مقادیر کمی به دست آمده را برپایه تعاریفی که از چگونگی ارزیابی این اعداد در کتاب‌های آمار و منابع پژوهش‌های کمی ارائه شده، باید سنجید و از آن نتیجه گرفت. ضریب هم‌بستگی پیرسون دارای دامنه شاخص بین ۱- و ۱+ است. (ر.ک: سرمد و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲۲)؛ یعنی در پژوهش حاضر با توجه به ضریب هم‌بستگی

به دست آمده (۳۷۴/.)، ارتباط مثبت و مستقیمی میان فشردگی ساختمان تشبیه و توزیع فراوانی انواع تشبیهات حروفی در دیوان شاعران سبک خراسانی از لحاظ ساختمان در گذار زمان وجود دارد. در ارزیابی سبک‌شناختی از ساختمان تشبیهات حروفی درمی‌یابیم که با فشردگی شدن زاویه تشبیه در گذار زمان که از هنجارهای دوره‌ای سبک خراسانی است، ساختمان تشبیهات حروفی نیز در دیوان شاعران از این هنجار سبکی پیروی مثبتی کرده و متناسب با آن فشردگی داشته؛ بدین معنا که تأثیر سبک فردی شاعران و گریز از هنجارهای آنان در ساختمان تشبیهات حروفی، کم‌رنگ‌تر و تأثیر سبک دوره‌ای خراسانی در ساختمان این‌گونه تشبیهات، بسیار پررنگ‌تر است. درباره گزارش سطح معناداری میان متغیرها نیز باید گفت از آن روی که سطح معناداری احتمال خطای یک‌آزمون است و میزان سطح معناداری تا اندازه زیادی قراردادی و وابسته به انتخاب پژوهشگر است (دلاور، ۱۳۹۰: ۲۹۲)، سطح معناداری به دست آمده (۶۲۶/.) گویای آن است که ۶۲/۶ درصد احتمال وجود دارد که هر یک از دوازده شاعر سبک خراسانی از رخداد سبکی دوره‌ای در تشبیهات حروفی پیروی نکنند و سبک شخصی خود را درپیش بگیرند که رخدادی شایع در ارزیابی‌های سبکی است؛ اما چنان‌که گفته شد، در زمینه تشبیهات حروفی خیال‌پردازی‌های این دوازده شاعر سبک خراسانی متأثر از سبک دوره‌ای بوده است.

۳. نتیجه

بنیان سبک بر تکرار، تداوم و بسامد ویژگی‌هایی استوار شده که سبک‌شناس ناگزیر است در ارزیابی‌های خود فراوانی و دگرگونی آن‌ها را پژوهش کند. سبک فردی گریز از هنجارهای مرسوم سبک دوره‌ای است که تمایز و تشخیص اثر ادبی در میان هم‌تایان خود به یاری مشخصه‌های آن سنجیده می‌شود. بنابراین سبک‌شناس به ویژگی‌های سبکی یک دوره ادبی برای مطالعه هنجارهای مسلط و دگرگونی این هنجارها و به

ویژگی‌های سبکی فردی برای ارزیابی تمایز هر اثر ادبی نیازمند است. به‌کارگیری آمار استنباطی در ارزیابی بسامدهای سبکی آثار ادبی نکته بسیار مهمی است که پژوهشگران ایرانی از آن کمتر بهره برده‌اند و ارزیابی‌های سبکی خود را بیشتر به شیوه آمار توصیفی سامان داده‌اند. از آنجا که مسئله سبک مسئله بسامد است و بسامدهای سبکی دوره‌ای نیز در بیشتر اوقات روند افزایشی یا کاهشی مشخصی را نشان نمی‌دهند، روش آمار توصیفی دقت علمی لازم را ندارد و نتیجه‌گیری از آن بسیار دشوار است.

در این پژوهش، ویژگی‌های مسلط بر سبک خراسانی و دگرگونی زاویه چهار گونه ساختمان تشبیه در این سبک با درجه‌های ۱ تا ۴ متغیر مستقل تعریف شد، سپس بسامد و فراوانی چهار گونه ساختمان تشبیهات حروفی در دیوان هر شاعر متغیر وابسته شناسانده شد. برای اثبات رابطه میان این دو، ضریب هم‌بستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS به‌کار رفت که در آمارهای استنباطی روش پرکاربردی است و دقت زیادی دارد. با توجه به ضریب هم‌بستگی و سطح معناداری رابطه میان متغیرها که نرم‌افزار SPSS ارائه کرد ((۰/۳۷۴) و ((۰/۶۲۶)، رابطه مثبت و مستقیم میان متغیرها تأیید شد. نتیجه سبکی برآمده از این تحلیل آماری گویای آن است که در گذار زمان، پراکندگی چهار گونه ساختمان تشبیهات حروفی در دیوان دوازده شاعر سبک خراسانی متأثر از بسته‌تر شدن زاویه ساختمان تشبیه و خیال‌انگیزتر شدن آرایه بلاغی تشبیه در سبک این دوره بوده و این رخداد سبکی از هنجارهای مسلط بر سبک دوره پیروی کرده است. سطح معناداری به‌دست آمده ((۰/۶۲۶) نیز دامنه خطای احتمالی ۶۲/۶ درصد از رخداد اثبات‌شده در سبک دوره‌ای خراسانی را نشان می‌دهد که دامنه‌ای جایز برای سبک شخصی هر شاعر است؛ هرچند چنان‌که گفته شد، این دامنه احتمالی گریز از هنجارهای سبکی دوره‌ای در این پژوهش نمود چندانی نداشته است و شاعران سبک خراسانی در تشبیهات حروفی خود از این دامنه مجاز و مختار برای سبک شخصی خود کمتر بهره برده‌اند. رسیدن به این نتیجه‌های سبکی دستاوردی است که با استفاده

از روش آمار توصیفی و شیوه‌های متعارف سبک‌شناسی در زبان فارسی حاصل نمی‌شد؛ اما در این پژوهش با تحلیل‌های رایانه‌ای و به‌روشی علمی در آمار استنباطی به اثبات رسید.

پی‌نوشت‌ها

1. Remy de Gourmont
۲. درباره مفهوم لغزان سبک نیز ر.ک: Green & LeBihan, 1999: 21.
۳. برای خواندن گزارشی فراخور از رابطه سبک‌شناسی، زبان‌شناسی و نقد ادبی ر.ک: Davis & Elder, Carter & Simpson, 2005: 4 - 8; Bishop & Starkey, 2006:153-156; 2004: 328-340.
4. Buffon
۵. درباره فردی بودن سبک نیز ر.ک: Johnson, 1898: 26, 28; Coyle, Martin et al., 1993: 17.
6. macro context
7. deviation from the norms
8. Erwin Panofsky
۹. درباره سبک‌شناسی و بلاغت نیز ر.ک: Bussmann, 2006: 1008, 1135.
10. Northrop Frye
11. identity
12. likeness
13. total sampling
14. stylometry
15. indicatory sampling
16. population
۱۷. SPSS مخفف Statistical / Software Package for Social Sciences (بسته آماری / نرم‌افزاری برای علوم اجتماعی) است که امروزه در دیگر زمینه‌های پژوهشی نیز کاربرد فراوانی یافته است.
۱۸. اطلاعات کتاب‌شناختی پایان‌نامه و مقاله‌های اشاره‌شده را در فهرست منابع ببینید.
۱۹. گزارش مبسوط گونه‌های تشبیهات حروفی یادشده در این پژوهش را در پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتضی حیدری با عنوان تشبیهات حروفی (نگرش حروفی) در دیوان شاعران تا قرن هشتم هجری با مشخصات کتاب‌شناختی آورده‌شده در فهرست منابع ببینید.

منابع

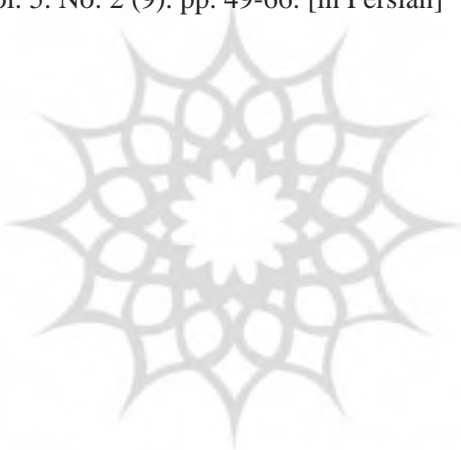
- ابوسعید ابوالخیر (بی تا). سخنان منظوم. تصحیح سعید نفیسی. ج ۳. تهران: کتابخانه سنایی.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۶۲). مناقب‌العارفین. تصحیح تحسین یازیچی. ج ۲. تهران: دنیای کتاب.
- امیر معزی، محمدبن عبدالملک (۱۳۱۸). دیوان. به‌اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، خواجه‌عبدالله (۱۳۶۱). رباعیات. به‌کوشش محمود مدبری. تهران: کتابفروشی زوار.
- باباطاهر همدانی (۱۳۵۰). سروده‌های بابا طاهر همدانی. به‌کوشش م. اورنگ. تهران: چاپ پرچم.
- بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۸۹). سبک‌شناسی. ج ۱. چ ۱۰. تهران: امیرکبیر.
- بیکر، ترزال. (۱۳۹۰). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. چ ۵. تهران: نشر نی.
- حاجیان‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۰). «نوعی تشبیه در ادب فارسی (تشبیه حرفی)». مجله دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. د ۴۸. ش ۱۶۰. صص ۳۸۷-۴۰۲.
- حیدری، مرتضی (۱۳۸۷). تشبیهات حرفی (نگرش حرفی) در دیوان شاعران تا قرن هشتم هجری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۷۴). پیشاهنگان شعر فارسی. ج ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- دلاور، علی (۱۳۹۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. چ ۹. تهران: رشد.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۷). لغتنامه. (لوح فشرده). تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، محسن و علی‌اکبر کمالی‌نهاد (۱۳۹۲). «کارکردهای هنری و تصویری حروف در شعر (با تأکید بر شعر خاقانی)». مجله فنون ادبی. د ۵. ش ۲ (۹). صص ۴۹-۶۶.

- رعیت‌حسن‌آبادی، علیرضا و محمدجواد مهدوی (۱۳۹۲). «نقدی بر کاربرد آمار در پژوهش‌های ادبی با معرفی نرم‌افزار SPSS». *فصلنامه نقد ادبی*. ۶۰. ش ۲۱. صص ۱۹۱-۲۱۳.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۹۵۸). *آثار منظوم*. به کوشش عبدالغنی میرزایف. تاجیکستان: نشریات دولتی تاجیکستان.
- رونی، ابوالفرج (۱۳۴۷). *دیوان*. به اهتمام محمود مهدوی دامغانی. مشهد: کتابفروشی باستان.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. چ ۲۴. تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *کلیات سبک‌شناسی*. ویراست ۲. چ ۲. تهران: میترا.
- _____ (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی شعر*. ویراست ۲. چ ۵. تهران: میترا.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۲). *درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات*. چ ۲. تهران: آوای نور.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۶۳). *دیوان*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. چ ۳. تهران: کتاب‌فروشی زوار.
- قطران تبریزی (۱۳۳۳). *دیوان*. به اهتمام محمد نخجوانی. تبریز: چاپخانه شفق.
- لازار، ژیلبر (۱۳۴۱). *اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی‌زبان*. ج ۲. تهران: انستیتو ایران و فرانسه.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۳۹). *دیوان*. تصحیح رشید یاسمی. تهران: پیروز.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۳۵). *دیوان*. تصحیح نصرالله تقوی. تهران: امیرکبیر.
- وردانک، پیتز (۱۳۸۹). *مبانی سبک‌شناسی*. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.
- Abrams, M.H. & G.G. Harpham (2009). *A Glossary of Literary Terms*. Boston: Wadsworth Cengage Learning.
- Abu-Sa'ïd Abo Al-Kheyr (n.d.). *Sokhanân-e Manzum*. Sa'ïd-e Nafisi. (Em.). 3rd Ed. Tehran: Ketâbkhâneh-ye Sanâyi Publication. [in Persian]
- Aflaki, Sh. (1983). *Manâqeb al-Ârefîn*. Tahsin Yâzichi. (Em). 2nd Ed. Tehran: Donya-ye Ketâb Publication. [in Persian]
- Amir Mo'ezzi, M. (1939). *Divân*. Abbâs Eqbâl. (Ed.). Tehran: Ketâbforushi-ye Eslâmiyye Publication. [in Persian]
- Ansari, Kh. (1982). *Robâ'iyât*. Mahmud Modabberi. (Ed.). Tehran: Ketâbforushi-ye Zavvâr Publication. [in Persian]

- Babataher Hamadani (1971). *Sorude-hâ-ye Bâbâtâher-e Hamadâni*. M. Owrang. (Ed.). Tehran; Châp-e Parcham Publication. [in Persian]
- Bahar, M. (2010). *Sabkshenâsi*. Vol. 1. 10th Ed. Tehran: Amirkabir Publication. [in Persian]
- Baker, Th. (2011). *Nahve-ye Anjâm-e Tahqiqât-e Ejtemâ'i*. Hushang Nâyebi (Tr.). 5th Ed. Tehran: Ney Publication. [in Persian]
- Bishop, W. & D. Starkey (2006). *Keywords in Creative Writing*. Utah: Utah State University Press.
- Black, E. (2006). *Pragmatic Stylistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bolinger, D. (1975). *Aspects of Language*. 2nd ned. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Bussmann, H. (2006). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*. Gregory Trauth & Kerstin Kazzazi. (Trns. & Eds.). London and New York: Routledge.
- Carter, R. & P. Simpson (Eds.) (2005). *Language, Discourse and Literature*. London & New York: Routledge.
- Coyle, M. et al. (Eds.). (1993). *Encyclopedia of Literature and Criticism*. Cardiff: University of Wales.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th Ed. Singapore: Blackwell Publishing.
- Cuddan, J.A. (1999). *Dictionary of Literary Terms & Literary Theory*. 4th Ed. Penguin Books.
- Dabirsiyaqi, M. (1995). *Pishâhangân-e She'r-e Fârsi*. 4th Ed. Tehran: Sherkat-e Enteshârât-e Elmi va Farhangi Publication. [in Persian]
- Davis, A. & C. Elder (Eds.) (2004). *The Handbook of Applied Linguistics*. UK: Blackwell Publishing Ltd.
- Dekhoda, A. (2008). *Loghatnâme*. (CD). Tehran: Dâneshgâh-e Tehran Publication. [in Persian]
- Delavar, A. (2011). *Mabâni-ye Nazari va Amali-ye Pazhuhesh dar Olum-e Ensâni*. 9th Ed. Tehran: Roshd Publication. [in Persian]
- Ebadiyan, M. (1993). *Darâmadi bar Sabkshenâsi dar Adabiyât*. 2nd Ed. Tehran: Âvâ-ye Noor Publication. [in Persian]
- Farrokhi Sistani, A. (1984). *Divân*. Mohammad Dabirsiyaghi (Ed.). 3rd Ed. Tehran: Zavvâr Publication. [in Persian]
- Fotuhi, M. (2012). *Sabkshenâsi: Nazariyye-hâ, Ruykard-ha va Ravesh-hâ*. Tehran: Sokhan Publication. [in Persian]
- Green, K. & J. LeBihan (1996). *Critical Theory and Practice*. London and New York: Routledge.

- Habib, M.A.R. (2005). *A history of literary criticism: from Plato to the present*. London: Blackwell Publishing Ltd.
- Hajjyan-nejad, A. (2001). "Now«i Tashbih dar Adab-e Fârsi (Tashbih-e Horufi)". *Majalleh-ye Dâneshkadeh-ye Zabân va Ababiyyât-e Fârsi-ye Dâneshgâh-e Tehrân*. Vol. 48. No. 160. pp. 387-402. [in Persian]
- Hart, J. (2005). *Northrop Frye: the theoretical imagination*. London and New York: Routledge.
- Heidari, M. (2008). *Tashbihât-e Horufi (Negaresh-e Horufi) dar Divân-e Shâ'erân tâ Qarn-e Hasht-om-e Hejri*. (M. A. diss., AllâmeH Tabâtabâyi University of Tehran). [in Persian]
- Johnson, Ch.F. (1898). *Elements of Litereary Criticism*. New York: Harper and Brothers.
- Klarer, M. (2004). *An Introduction to Literary Studies*. 2nd Ed. London & New York: Routledge.
- Lamarque, P. (2009). *The Philisophy of Literature*. Singapur: Blackwell Publishing.
- Lazard, G. (1962). *Ash'âr-e Parâkandeh-ye Qadimi-tarin Sho'râ-ye Fârsi Zabân*. Vol. 2. Tehran: Anestitu Iran va Farânseh Publication. [in Persian]
- Malmkjær, K. (Ed.) (2002). *The Linguistic Encyclopedia*. London and New York: Routledge.
- Mas'ud Sa'ad Salman (1960). *Divân*. Rashid Yasemi (Em.). Tehran: Piruz Publication. [in persian]
- Naser Khosrow (1956). *Divân*. Nasr Allah Taqavi (Em.). Tehran: Amir Kabir Publication. [in Persian]
- Qatran Tabrizi (1954). *Divân*. Mohammad Nakhjavâni (Ed.). Tabriz: Châpkhâneh-ye Shafaq Publication. [in Persian]
- Quinn, E. (2006). *Dictionary of Literary and Thematic Terms*. 2nd Ed. New York: Facts on File.
- Ra'yyat-e Hasanabadi, A. & M. Mahdavi (2013). "Naqdi bar Kârbord-e Âmâr dar Pazhuhesh-hâ-ye Adabi bâ Mo«arrafi-ye Narmafzâr-e Spss". *Naqd-e Adabi*. Vol. 6. No. 21. pp. 191-213. [in Persian]
- Rudaki, A. (1958). *Âsâr-e Manzum*. Abdo-Alghani Mirzayef (Ed.). Tajikistan: Nashriyât-e Dowlati-ye Tâjikistân Publication. [in Persian]
- Runi, A. (1968). *Divân*. Mahmud Mahdavi Dâmgâni. (Ed.). Mashhad: Ketâbforushi-ye Bâstân Publication. [in Persian]
- Sarmad, Z. et al. (2012). *Ravesh-hâ-ye Tahqiq dar Olum-e Raftâri*. 24th Ed. Tehran: Âgah Publication. [in Persian]

- Shamisa, S. (2007). *Kolliyât-e Sabkshenâsi*. 2nd Ed. Tehran: Mitrâ Publication. [in Persian]
- ——— (2012). *Sabkshenâsi-ye She'r*. 2nd Ed. Tehran: Mitrâ Publication. [in Persian]
- Smith, N.C. (1925). *Wordsworth's Literary Criticism*. London: Oxford University Press.
- Tyson, L. (2006). *Critical Theory Today*. 2nd ned. London & NewYork: Routledge.
- Verdonk, P. (2010). *Mabâni-ye Sabkshenasi*. Mohammad Ghaffari. (Tr.). Tehran: Ney Publication. [in Persian]
- Zolfaghari, H. & A. Kamalinahad (2013). "Kârkard-hâ-ye Honari va Tasviri-ye Horuf dar She'r (bâ Ta'kid bar She'r-e Khaqâni)". *Fonun-e Adabi*. Vol. 5. No. 2 (9). pp. 49-66. [in Persian]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

The Analysis of Imagination in the Literal Similes of the *Khorasani Style Poetry*

Morteza Heidari ^{1*}

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Payam-e Noor University, Tehran.

Received: 04/04/2020

Accepted: 19/09/2020

Abstract

The stylistics deals with studying repetitions, and so employing the statistical analyses in stylistic evaluations proved to be useful in studying the frequencies. Whereas the descriptive statistics cannot always explain the stylistic fluctuations, using inferential statistics theories in evaluating stylistic phenomena will bear a scientific accuracy. *fStylometry* is the term that has been coined for studying stylistics with the use of computer. In the present article, the author tried to evaluate imagination in the construction of simile in Khorasani style. In doing so, the books of twelve eminent poets of Khorasani style were studied diachronically and the relation of literal similes and imagination was examined. To analyze the data, the author adapted an inferential approach and calculated the Pearson Correlation Coefficient. The results showed that the correlation coefficient was 0/374 and the significance level was 0/626 and therefore it could be said that there is a positive and direct relationship between variables. In stylistics terms, it means that the more compressed the angle of simile in Khorasani style, the more frequent literal similes would be, which is in line with the dominant norms of Khorasani Style.

Keywords: Stylistics, Stylometry, imagination, literal similes, Khorasani style

* Corresponding Author's E-mail: mortezaheydari.58@gmail.com